

نظریه تساوی انسان‌ها در حقوق بشر اسلام

دکتر سید محمد حسینی*

چکیده:

سراسر تاریخ بشر مشحون از تناقضات رفتاری در خصوص تساوی و یا تبعیض بشر بوده است حقوق بشر در یک تقسیم‌بندی به حقوق طبیعی و ذاتی و حقوق اکتسابی تقسیم می‌گردد. درقرآن کریم در خصوص خلقت بشر گاهی سخن از تراب است، گاهی سخن از «حمأ مسنون» و گاهی از «صلصال» و گاهی «طین» و مانند آن. رسول مکرم اسلام (ص) فرموده‌اند: انسانها مانند دندانه‌های شانه با یکدیگر برابرند و تنها چیزی که می‌تواند آنها را بر یکدیگر برتری دهد خوبی‌های آنهاست. در امر ازدواج به مساوات بین فرزندان آدم اشاره کرده است و در این خصوص ابی‌حذیفه را به هند بنت ولید که از بزرگان بوده است پیوند داده بود ابن حجر عسقلانی نقل می‌کند که تمامی انسانها در خصوصیات بشری مساوی بوده و تساوی میان انسانها از این آیه مشهود و مشخص است. و نیز حضرت علی(ع) به عامل خود بر یکی از ممالک ایران اسلامی نامه‌ای نوشت و عنوان فرمود: که تمامی افراد جامعه از بهره‌برداری از بیت المال مساوی می‌باشند و همه را بطور مساوی از بیت المال بهره‌مند ساز.

کلید واژه‌ها: سیره نبوی، حقوق بشر، تساوی، تشابه، اسلام.

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

Hosseini_m@baboliau.ic.ir

مقدمه:

به نام حقیقت هستی، خدایی که آدمی را آفرید و به او آنچه که نمی‌دانست را آموخت درود بر حضرت محمد و خاندان پاکش.

هر نوع نگرش آدمی به جهان می‌تواند او را در مسیر آن منظر قرار دهد. سراسر تاریخ بشر مشحون از تناقضات رفتاری در خصوص تساوی و یا تبعیض بشر بوده است حقوق بشر در یک تقسیم‌بندی به حقوق طبیعی و ذاتی و حقوق اکتسابی تقسیم می‌گردد. حقوق طبیعی، حقوقی است که هر انسانی بدون توجه به تمایزات ظاهری، اقلیمی، نژادی و اعتقادی دارا می‌باشد، یعنی امتیازاتی که ذاتاً هر انسانی شایسته برخورداری از آنها خواهد بود. بدیهی است که انسان‌ها در پرتو بکارگیری توانایی‌ها و در سایه فداکاری، فعالیت و تلاش خویش می‌توانند واجد قابلیت‌هایی گردند که آنان را در تصدی مشاغل و مسؤولیت‌های خاصی، مُحِقّ می‌گرداند. این مزایا را باید جزو حقوق اکتسابی افراد به حساب آورد. به عبارت دیگر، هر انسانی اولاً و بالذات از حقوق طبیعی متمتع می‌گردد و ثانیاً و بالعرض از حقوق اکتسابی. وجود پاره‌ای تفاوت‌ها در نظام حقوقی اسلام در چارچوب حقوق اکتسابی می‌تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. ما در این مقاله به دیدگاه‌های اسلام که در کتاب الهی و سیره نبوی آمده است پرداخته‌ایم تا بتوانیم هر چه بهتر به دیدگاه اسلام در حقوق بشر دست یابیم.

۱- دیدگاه کلی اسلام در خصوص حقوق بشر

در قرآن کریم در خصوص خلقت بشر گاهی سخن از تراب است، گاهی سخن از «حمأ مسنون» و گاهی از «صلصال» و گاهی «طین» و مانند آن. در مرحله‌ای نیز می‌فرماید که، در پیدایش شما «بشر ثانوی» یک زن دخیل است و یک مرد، تا به آنان بگوید که شما به چه چیزی فخر می‌کنید؟ و اگر بخواهید تفاخر کنید، فخرتان در بی‌فخری است. تنها عامل فخر همان تقوا است که با بی‌فخری و بی‌تفاخری همراه است. این که می‌فرماید «یا ایها الناس» یعنی همان انسانی که قرآن برای هدایت او آمده است و این آیه هم قسمت‌بدن را به عهده می‌گیرد و هم قسمت روح را، این که می‌فرماید:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر واثی» (حجرات، ۱۳) ای مردم، ما شما را از مرد وزنی آفریدیم یعنی، شما اگر بخواهید روی بدن فخر کنید، همه انسان‌ها، از زن و مرد خلق شده‌اند، چه این که اگر شخصی، یا صنفی، یا نژادی خواست با نژاد دیگر تفاخر کند، به او هم گفته می‌شود که تک‌تک شما از زن و مرد هستید. از سویی دیگر نژاد و زبان هم عامل شناسایی و شناسنامه طبیعی است، چهره‌ها، قیافه‌ها، زبان‌ها و لهجه‌ها شناسنامه طبیعی انسان است که آن هم به بدن بر می‌گردد، وگرنه روح نه شرقی است و نه غربی، نه عرب است و نه عجم و... «و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا» (حجرات، ۱۳) شما را شعبه‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید. ملیت به هیچ وجه عامل فخر نیست، پس اگر کسی بخواهد تفاخر کند، جایی برای آن نیست، چرا که همه از زن و مرد هستند و شعوب و قبائل به بدن مربوط است، و ارواح، حساب جدایی دارند. «لارواح جنود مجنّده» جازها گروه‌های به هم پیوسته‌اند. (علامه مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۶۱، ۳۱)

روح یک وادی دیگری دارد، که در آنجا سخن از شناسنامه و مانند آن نیست. آنگاه اگر کسی بخواهد بالاتر رود باید بدون تفاخر و فخر فروشی بالاتر رود، چرا که: «ان اکرمکم عند الله اتقاکم» (حجرات، ۱۳) همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شما است.

۲. حدیث مشهور تساوی انسانها

از رسول مکرم اسلام (ص) حدیث مشهوری روایت شده که به تساوی انسانها اشاره دارد این حدیث از طریق اهل سنت و شیعیان بطور متواتر نقل شده است از جمله اینکه در کنز العمال آمده که رسول مکرم اسلام (ص) فرموده‌اند: الناس سواء کائنات المشط و انما یتفاضلون بالعافیه یعنی اینکه انسانها مانند دندانه‌های شانه با یکدیگر برابرند و تنها چیزی که می‌تواند آنها را بر یکدیگر برتری دهد خوبی‌های آنهاست. (الهندی، ۱۹۹۲، ج ۹، ۳۸)

همانگونه که در این حدیث مشهور مشاهده می‌گردد رسول مکرم اسلام (ص) در ماهیت بشری انسان‌ها را مساوی لحاظ کرده است و اقوام و قبایل از عرب، سفید، سیاه هیچ کس را موجب برتری بر یکدیگر ندانسته است و پیغمبر اسلام (ص) انسان‌ها را مانند دندانه‌های یک شانه که دقیقاً به طور مساوی قرار دارند معرفی نموده است. انسان‌ها اگر در ماهیت بشری با یکدیگر

مساوی هستند دلیل بر این نمی‌شود که هیچ فردی در فضایل اخلاقی مانند: خوبی‌ها، توانمندی‌ها، قدرت علمی و غیره بر یکدیگر سبقت نجویند و برتری نیابند و طبیعی است که هر شخصی به حسب توانمندی‌های خود بر افراد دیگر برتری‌هایی دارد اما این موجب نمی‌گردد که ما این برتری را حقیقت انسانی بدانیم بلکه این برتری‌ها در صفات و عوارض است از این رو است که علامه مجلسی در بحار الانوار خود بعد از آنکه به این حدیث مشهور اشاره کرده نکته‌ای را مطرح می‌نماید و آن نکته این‌که: آیا حدیث مشهوری که می‌گوید انسان‌ها با یکدیگر برابر هستند با حدیث دیگری که از رسول مکرم اسلام (ص) نقل شده است که انسان‌ها مانند معدن هستند «الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة: انسان‌ها معدن هستند مانند معدنهای طلا و نقره» که مقصود از این حدیث این نکته می‌باشد که برخی از انسان‌ها دارای گوهرهای لطیف و گرانقدری هستند که آنان را مانند معدن طلا می‌کند و برخی دیگر را مانند نقره و سلسله مراتب به درجه پایین‌تر.

علامه مجلسی عنوان می‌کند که آیا این حدیث با حدیث تساوی بشر تعارض و منافات دارد؟ که ایشان به این سؤال پاسخ منفی می‌دهند به اینکه حدیث تساوی بشر این است که انسان‌ها در هویت انسانی و ماهیت انسانی با یکدیگر برابرند و در خدمات انسانی در جوامع بشری هیچ‌گونه تفاوتی نباید وجود داشته باشد اما آن حدیث که می‌گوید انسانها معدن هستند به این نکته اشاره دارد که انسان‌ها به حسب علم و حکمت و مانند آن دارای برتری‌ها و رتبه‌هایی هستند که قابل انکار نیست ولیکن این دلیل نمی‌شود که از لحاظ انسانی از دیگران برتری داشته باشند. (علامه مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۵۸، ۶۶)

۳. تساوی ارزشها در ازدواج

یکی از مظاهر عدالت، تساوی میان زن و مرد در ازدواج است که قرآن کریم بدان توجه داشته است. علت این که در مواردی قرآن کریم با صراحت نام زن و مرد را می‌برد، آن است که می‌خواهد افکار جاهلی و قبل از اسلام را تخطئه کند، آنها چون بین زن و مرد فرق می‌گذاشتند و عبادات و فضائل را برای مردها منحصر می‌دانستند، لذا قرآن کریم با تحلیل عقلی می‌فرماید: آن

که باید کامل شود روح است و روح نه مذکر است و نه مؤنث.

قبل از اسلام به زن هیچ بهایی داده نمی‌شد، و همیشه به زن با چشم خشم می‌نگریستند. در محیط‌هایی هم که صنعت پیشرفت نموده است زن هیچ بهایی ندارد جز برای ارضای شهوت مردان، که هر دو تحقیر مقام والای زن است.

اما ذات اقدس اله در قرآن می‌فرماید: من عهده‌دار تربیت دل و روح انسانها هستم، و روح و دل انسانها نه مذکر است، نه مؤنث، لذا قرآن موضوع زن و مرد را نفی می‌کند تا جایی برای بیان تفاوت بین این دو باقی نماند، اگر در سراسر قرآن کریم و همچنین در سراسر سخنان عترت طاهره... جستجو شود، موردی به چشم نمی‌خورد که قرآن کمالی از کمالات معنوی را مشروط به ذکورت بداند یا ممنوع به ابهام بشمارد. بنابراین، آیات قرآن کریم به چند بخش دسته بندی می‌شوند:

بخش اول: آیاتی هستند که اختصاص به صنف مخصوصی ندارند، مانند: آیاتی که در آن سخن از ناس یا انسان است، و یا با لفظ «من» ذکر شده است.

بخش دوم: آیاتی است که سخن از مرد دارد، مانند آیاتی که در آن ضمیر جمع مذکر سالم به کار برده است، و آیاتی که از لفظ «مردم» استفاده شده است، و... مثل این که می‌فرماید: «یعلمکم، یعلمهم...».

در اینجا باید گفت که این گونه کاربرد براساس فرهنگ محاوره است وقتی می‌خواهند سخن بگویند، می‌گویند مردم چنین می‌گویند، مردم انتظار دارند، مردم در صحنه‌اند، مردم رأی می‌دهند. این «مردم» در مقابل زنان نیستند، بلکه مردم یعنی «توده ناس». پس نباید از نحوه تعبیری که در فرهنگ محاوره و ادب رایج است، چنین برداشت کرد که قرآن فرهنگ مذکرگرای دارد.

بخش سوم: آیاتی است که در آن به نام مرد و زن تصریح شده است و به صراحت می‌گوید: در این جهت زن و مردی در کار نیست یا فرقی نمی‌کنند، نظیر آنجا که می‌فرماید: (من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحییه حیاة طیبة) (نحل، ۹۷)

در این بخش نیز باتوجه به این که قرآن برای تهذیب روح است و در هنگام عبادت و تقرب، بدن زن و مرد در ارزش عبادت نقش ندارد لذا تصریح به عدم تفاوت می‌کند تا شبهه تفاخر جاهلی

را ریشه کن نماید.

در همین راستا یکی از مفاهیمی که در فرهنگ اسلام در مبحث ازدواج بدان تأکید زیادی شده است، مبحث تساوی انسانها در این خصوص می‌باشد. در سیره رسول مکرم اسلام (ص) نیز به این موضوع اهمیت داده شده و به برابری انسانها در امر ازدواج تأکید شده است ابن حجر به یکی از این موارد اشاره می‌کند که رسول مکرم اسلام (ص) به آیه شریفه «که خداوند انسانها را از آبی خلق کرد» استناد کرده و در امر ازدواج به مساوات بین فرزندان آدم اشاره کرده است و در این خصوص ابی حذیفه را به هند بنت ولید که از بزرگان بوده است پیوند داده بود و نیز رسول مکرم اسلام (ص) یکی از بردگان به نام سالم را با زنی از انصار به ازدواج امر کرد که رسول مکرم اسلام (ص) در این خصوص به تساوی انسانها در امر ازدواج تأکید زیادی داشته است.

و نیز پیغمبر اسلام (ص) خاندان بنی بیاضه را با یکی از فرزندان ابی هند که حجام بوده است و حجامت می‌کرده و حجامت در آن دوره از شغل‌های پایین محسوب می‌شده است در حالیکه خاندان بنی بیاضه از خاندان معروف و دارای شرافت نسب بوده‌اند را به ازدواج با این شخص امر نمود و فرمودند: انما هو من المسلمین او فردی از مسلمانان است و مسلمانان با یکدیگر برابر هستند. (ابن حجر العسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۳، ۱۲۹)

۴. تساوی انسانها در ویژگیهای بشری

یکی از نکاتی که در فرهنگ اسلام بدان تأکید زیادی شده است تساوی انسانها در خصلت‌ها و ویژگی‌های بشری می‌باشد به این ترتیب که خداوند تبارک و تعالی انسانها را از لحاظ خصوصیات و ویژگی‌ها در یک سطح قرار داده است.

در برخی از مکاتب مانند یهود این تفکر وجود دارد که مثلاً یهودان برتر از دیگر اقوام می‌باشند در فرهنگ اسلام برخلاف تفکرات برخی از مکاتب بر تساوی انسانها تأکید شده است که در حدیثی از امام صادق (ع) این آیه قرآن: فطرت الله الفطر الناس علیها: آن فطرتی که خداوند انسانها را بر اساس آن خلق نموده است. امام صادق (ع) فرمودند: آن فطرت همان فطرت توحید و یگانه‌پرستی است.



ملاصالح مازندرانی در شرح این حدیث عنوان می‌کند خداوند تبارک و تعالی انسانها را براساس یک فطرت واحد خلق نموده است و برای بشر نوع مخصوصی از کمال قرار داد که همان توحید و معرفت ربوبی باشد در واقع این سخن به این نکته اشاره دارد که تمامی بشر براساس یک فطرت و یک ویژگی خلق شده‌اند و اینگونه نیست که برخی از انسان‌ها در یک نژاد مخصوص دارای یک خصوصیت باشد و تفاوت ذاتی با ابنای دیگر و فرزندان اقوام دیگر داشته باشند. (ملاصالح مازندرانی، بی‌تا، ج ۸، ۳۴)

همان‌گونه که در این سخن و حدیث آمده است انسانها از لحاظ خصوصیات ذاتی در یک حد هستند و اگرچه بر برخی از اقوام و ملل آمده است که یک قوم و ملت از لحاظ انسانی با دیگر اقوام و ملل تفاوت دارند اما در تفکرات اسلامی که برگرفته از سیره رسول مکرم اسلام (ص) است تمامی بشر در یک حد و یک مسیر آفریده شده‌اند.

ابن حجر عسقلانی از قول بخاری نقل می‌کند که ایشان از آیه شریفه (و هوالذی خلق من الماء بشراً یعنی: و او خدایی است که از آب انسان‌ها را خلق کرد) استفاده می‌کند که تمامی انسان‌ها در خصوصیات بشری مساوی بوده و تساوی میان انسان‌ها از این آیه مشهود و مشخص است. (ابن حجر العسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۳، ۱۲۹)

همان‌گونه که ایشان عنوان نمودند از این آیه کاملاً مشهود و مشخص است که خداوند تبارک و تعالی انسانها را از یک ماده و عنصر واحد خلق نمود و از دیدگاه الهی تمامی انسانها با یکدیگر برابرند و این برابری ذاتی به عنوان یکی از مشخصه‌های دین مبین اسلام است که میان انسان‌ها هیچ تفاوتی قابل نمی‌شود.

فقیه اهل سنت، عجلونی در کتاب ارزشمند خود حدیثی از رسول مکرم اسلام (ص) بیان داشته که در آن تساوی انسان‌ها در ویژگی‌های بشری کاملاً مشخص است ایشان از پیغمبر اسلام (ص) نقل کرده است که (الناس ولد آدم و آدم من تراب. یعنی: انسان‌ها همه فرزندان حضرت آدم (ع) هستند و آدم از خاک آفریده شده) این روایت در صحابه اهل سنت به عنوان روایتی مشهور محسوب می‌گردد. این نویسنده در شرح آن عنوان نموده است که سخن و کلام رسول مکرم اسلام (ص) برای بیان یک تفکر زیبا و پایان دادن به افتخارات اقوامی است که نسبت

به یکدیگر فخر می‌فروختند و دیگران را به بردگی می‌گرفتند که همه اینها جز روسیاهی برای صاحبان فخر نیست زیرا خداوند تبارک و تعالی به وسیله اسلام هرگونه جاهلیت را از ما دور نمود و تفاخر به آبا و اجداد را از ما و کنار ساخت و رسول مکرم اسلام (ص) همه انسان‌ها را از حضرت آدم که به عنوان پدر انسان‌هاست معرفی نموده‌اند و دیگر با این توضیح هیچ‌گونه نسب و عصبی به عنوان مایه افتخار محسوب نمی‌گردد و تنها فضیلت‌ها به تقوی و خصوصیات زیبای انسانی است. (العجلونی، ۱۴۰۸، ج ۳۲۷، ۲)

۵. تساوی انسانها در اموال

خداوند تبارک و تعالی انسانها را در بهره‌برداری از اموال خود مساوی قرار داد که حضرت علی (ع) که به عنوان برترین بیان کننده سنت رسول مکرم اسلام (ص) معرفی شده در قضیه‌ای که بعد از حکومت و ولایت علی (ع) به وقوع پیوسته است، بر فراض منبر در روز دوم از بیعت عنوان فرمودند: هیچ یک از مهاجرین و انصار از اصحاب رسول مکرم اسلام (ص) دارای فضیلت بر دیگران نیست بلکه همه اینای بشر از تساوی برخوردار هستند و فضیلت‌ها نزد خداوند است پس هر کسی که در این تفکر یعنی اسلام با ما باشد در بهره‌برداری از حقوق اسلامی نیز مساوی و ذی‌حق است پس شما بندگان خدا هستید و مال هم از اموال خدا می‌باشد و همه به میان شما به تسویه تقسیم می‌گردد و هیچ کسی بر دیگری برتری ندارد. (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ج ۷، ۳۶)

و نیز حضرت علی (ع) به عامل خود بر یکی از ممالک ایران اسلامی نامه‌ای نوشت و عنوان فرمود: که تمامی افراد جامعه از بهره‌برداری از بیت المال مساوی می‌باشند و همه را بطور مساوی از بیت المال بهره‌مند ساز. (همان مأخذ، ج ۱۶، ۷۷۵)

و نیز از قضایای حضرت علی (ع) نقل شده است که دو زن به نزد آن حضرت آمدند یکی از عرب و دیگری غیر عرب که هر دو تقاضای کمک مالی داشتند حضرت علی (ع) به آن دو به طور مساوی از بیت المال تقسیم نمودند که وقتی اعتراض عرب متوجه حضرت علی (ع) شد حضرت در پاسخ فرمودند: به خدا قسم من میان شما دو نفر در تقسیم بیت‌المال هیچ فضیلتی نمی‌بینم و تو که عرب باشی بر غیر عرب نزد من مساوی هستند. (همان مأخذ، ج ۲، ۲۰۰)

علامه امینی در الغدیر خویش به نکته‌ای اشاره می‌کند که نشان دهنده تفاوت تفکرها در خصوص تساوی انسان‌ها می‌باشد ایشان به دیدگاه غربی اشاره دارد که از خلیفه دوم نقل شده است او از مالک بن انس امام فرقه مالکیه نقل می‌کند که سعید بن مسیب عنوان نموده‌است که عمر (خلیفه دوم) مانع از این شده است که افراد غیر عرب بتوانند از عرب ارث ببرند و تنها به کسی اجازه میراث می‌داد که از نژاد عرب باشد. و مالک بن انس در توضیح این سخن عنوان نموده است که اگر زن حامله‌ای از سرزمین غیرعرب وارد شود و در سرزمین عرب وضع حمل نماید از آنجا که در سرزمین عرب وضع حمل نموده است می‌توان گفت که به او ارث تعلق می‌گیرد. (مالک بن انس، ۱۴۰۶، ج ۲، ۱۲)

علامه امینی در شرح این سخن عنوان نموده است که این حکم عصبیت محضی است که به هیچ وجه با تفکرات اسلام تناسب و سازگاری نداشته و اینکه با تساوی انسان‌ها و مسلمانان تعارض دارد به این ترتیب که توارث بین مسلمانان به عنوان اصل عمومی در اسلام مطرح شده است چه اینکه عرب باشد یا عجم، در سرزمین اسلام به دنیا بیاید یا در غیر سرزمین اسلام که بر این اساس نصوص کتاب و سنت و عموماً کتاب دلالت واضح دارند که به هیچ وجه تخصیص هم نخورده‌اند و از شروط توارث ولادت در سرزمین عرب و یا عربی بودن نیست و این عصبیت عربی از جمله مواردی است که در صدر اسلام در میان خلفاء مطرح شده است که دل مسلمانان را می‌رنجاند چرا که مسلمانان مانند دندان‌های شانه مساوی هستند و هیچ تقاضی میان آنان وجود ندارد مگر به تقوی. (علامه امینی، ۱۳۹۷، ج ۶، ۱۸۷)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد این تفاوت فکری در روایات اصحاب رسول مکرم اسلام (ص) وجود دارد و البته اگر چه این سخن در مورد توارث بین مسلمانان مطرح است اما دقیقاً ما به این بخش از قضیه توجه داریم که میان عرب و غیر عرب هیچ تفاوتی وجود ندارد و در مباحث مالی و غیر مالی میان عرب و غیرعرب نمی‌توان تفاوتی قایل شد که علامه امینی بدان تصریح نموده‌اند.

۶. تساوی انسانها در حقوق .

از دیدگاه فرهنگ اسلام انسان‌ها از نظر حقوق با یکدیگر برابر هستند که از حضرت علی(ع)

نقل شده است: الناس فی الحق سواء: انسانها در حق مساوی هستند و نیز آن حضرت فرموده است بشریت از آنجا که فرزندان آدم هستند کاملاً مساوی می‌باشند. (علامه مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷۸، ۵۷)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد در فرهنگ اسلام برای انسان‌ها حقوقی مساوی در نظر گرفته شده است.

آزادی انسانها

یکی از مسائلی که در فرهنگ اسلامی به آن تأکید شده است آزاد بودن انسان می‌باشد و بردگی بر خلاف تعالیم اسلام معرفی گشته است که از حضرت علی(ع) نقل شده که فرمودند: ای مردم حضرت آدم برده خلق نشد و تمامی انسان‌ها آزاد هستند و ما که در رأس حکومت اسلامی قرار داریم میان سیاه و سفید هیچ تفاوتی قائل نمی‌شویم و همگان را به عنوان بندگان خدا می‌شناسیم و آنان را آزاد تلقی می‌کنیم. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۸، ۶۹)

جمله بلند حضرت علی(ع) بیان کننده این قضیه است که انسان‌ها هیچ‌گاه به عنوان برده تلقی نمی‌شوند و در فرهنگ اسلام امر بردگی مخالف آزادی انسان و حریت آن شمرده شده است. و نیز در قضیه‌ای که ابوالصلت از امام رضا(ع) نقل می‌کند عنوان شده است که حضرت رضا(ع) در مسافرتش به خراسان به هنگام غذا تمام افراد را جمع کرد و هر آنکس که در آن اطراف بودند اعم از آزاد و برده بر سر سفره امام رضا(ع) آمدند که ما به او گفتیم: اگر برای برخی از این افراد قضایی کنار گذارید شاید به مصلحت نزدیکتر باشد که امام رضا(ع) در پاسخ فرمودند: آرام باشید که خداوند تبارک و تعالی واحد است، مادر واحد است، پدر واحد است و ثواب و جزای انسان‌ها بر اساس اعمال است پس دیگر برای برتری جویی امری نمانده است. (همان مأخذ، ج ۸، ۲۳۰)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد حضرت علی(ع) و امام رضا(ع) که به عنوان بیان کنندگان سنت رسول مکرم اسلام(ص) محسوب می‌شوند این امر را مورد تأکید قرار داده‌اند که در رفتار با انسان‌ها میان افراد آزاد و برده نباید تفاوتی وجود داشته باشد و اصولاً این تفکر ائمه معصومین و پیامبر اسلام(ص) بود که به مرور زمان موجب گشت تا امر بردگی ملقی و بی‌اثر اعلام شده و

براساس این روش‌ها، مردم نیز این فرهنگ را مورد پذیرش قرار دادند که بردگان مانند انسان‌های آزاد می‌توانند از حقوق مساوی برخوردار بوده و به مرور زمان امر بردگی از میان برود.

۷. نبودن تمایز میان نژادهای بشری

یکی از مشخصه‌های دین مبین اسلام در خصوص تساوی بشر، نداشتن هیچ‌گونه تفاوت و تمایز میان انسان‌ها از نظر نژاد است در حدیث مشهوری از رسول مکرّم اسلام (ص) که در کنز العمال آمده است از ابی سعید خدری نقل نموده که حضرت محمد (ص) برای ما در وسط ایام تشریق حج خطبه‌ای ایراد فرمودند که ما از آن به خطبه و داع و خداحافظی پیامبر تعبیر می‌کنیم رسول مکرّم اسلام (ص) فرمودند: ای مردم پروردگار شما واحد است، پدر شما یکی است و پیغمبر شما هم واحد است، هیچ فضیلتی برای عرب بر دیگر انسان‌ها وجود ندارد و ملت‌های دیگر نیز بر عرب هیچ برتری ندارند، سفید بر سیاه و سرخ بر سیاه هیچ‌گونه برتری ندارد مگر به تقوی. (الهندی، ۱۹۹۲، ج ۳، ۱۹۳)

همان‌گونه که در این حدیث مشاهده می‌گردد طرز فکر رسول مکرّم اسلام (ص) و بلندای دیدگاه ایشان کاملاً مشهود و واضح است در حالی که ما این تفکر بلند را از بسیاری از برترین‌های جوامع بشری مشاهده نمی‌کنیم. سخن مشهوری از افلاطون گفته شده که ایشان عنوان کردند من خداوند را بر سه چیز شکر می‌کنم اینکه خداوند مرا انسان خلق کرد و به صورت حیوان مرا پدید نیاورد، دوم اینکه مرا یونانی قرار داد و از جنس دیگر ملت‌ها نشدم و سوم اینکه مرا در عهد سقراط به دنیا آورد. (عبد الفتاح طباره، ۱۴۱۷، ۱۲۴)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد افلاطون با اینکه از لحاظ فلسفی در اوج شکوه قرار دارد دیدگاهی کاملاً متمایز و متفاوت با دیدگاه‌های یک انسان چون رسول مکرّم اسلام (ص) دارد و این نشان دهنده بلندی فکر و عظمت تساوی انسان‌ها از دیدگاه پیغمبر اسلام (ص) در این خصوص است.

بعد از سخن افلاطون آنچه که ما می‌توانیم از برترین شاگرد مکتب رسول الله (ص) یعنی حضرت علی (ع) سخن گوئیم کلامی است که آن حضرت در عهدنامه خود به مالک اشتر بیان

می‌کند حضرت در آن عهدنامه فرمودند: و قلب خود را برای جامعه و مردم مهربان گردان و بر آنان چون گرگ درنده‌ای نباش که خوردنشان را غنیمت بشماری زیرا مردم دو صنف هستند یا برادر دینی تواند و یا همسان تو در خلقت. (صبحی الصالح، ۱۳۹۵، ۴۲۷)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد حضرت علی(ع) انسانها را به دو دسته تقسیم نمودند: برادر دینی و یا همسانی در خلقت به این صورت که در دیدگاه اسلام از لحاظ حقوق اجتماعی تفاوتی نمی‌کند که یک فرد جامعه برادر دینی و مسلمان باشد و یا غیر مسلمان زیرا او همسان مسلمان در خلقت است و این سخن حضرت علی(ع) بسیار روشن و واضح تفکر بلند اسلامی را بیان می‌کند.

نتیجه:

آنچه که به‌عنوان دیدگاه اسلام دریافت می‌گردد تساوی انسان‌ها بوده و دین اسلام بر روی هیچ نژادی توجه ویژه ندارد و تنها به برتری‌های اخلاقی می‌اندیشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ۱- ابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، (بی تا)، شرح نهج البلاغه، دار احیاء الکتب العربیه.
 - ۲- ابن حجر العسقلانی، محمد بن اسماعیل الکحلانی، (۱۳۷۹)، سبل الاسلام، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده بمصر.
 - ۳- امینی، الشیخ عبد الحسین، (۱۳۹۷)، الغدیر، دار الکتب العربی بیروت.
 - ۴- صبحی الصالح، (۱۳۹۵)، نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت.
 - ۵- العجلونی، اسماعیل بن محمد، (۱۴۰۸)، کشف الخفاء و مزیل الالباس، دار الکتب العلمیه.
 - ۶- عقیف، عبدالفتاح طباره، (۱۴۱۷)، الانبیاء فی القرآن، بیروت، دار الملائین.
 - ۷- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷)، الکافی، انتشارات دار الکتب اسلامیة.
 - ۸- مازندرانی، ملامحمد صالح (بی تا)، شرح اصول کافی، چاپ سنگی.
 - ۹- مالک بن انس، الامام، (۱۴۰۶)، الموطأ، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 - ۱۰- مجلسی، محمد باقر، (۱۹۸۳)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
 - ۱۱- الهمندی، المتقی، (۱۹۹۲)، کنز العمال، بیروت لبنان، مؤسسه الرساله.